

مجله پژوهش‌های حسابداری مالی
سال پنجم، شماره چهارم، شماره پیاپی (۱۸)، زمستان ۱۳۹۲
تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۷/۱۹
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۷
صص ۱۰۵-۱۲۰

بررسی عکس‌العمل بازار سهام نسبت به حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابداری

میکائیل منصوری سرنجیانه^{۱*}، محسن تنانی^{**}

* کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه علوم اقتصادی

Mmansouri64@yahoo.com

** استادیار حسابداری دانشگاه علوم اقتصادی

mohsentanani@gmail.com

چکیده

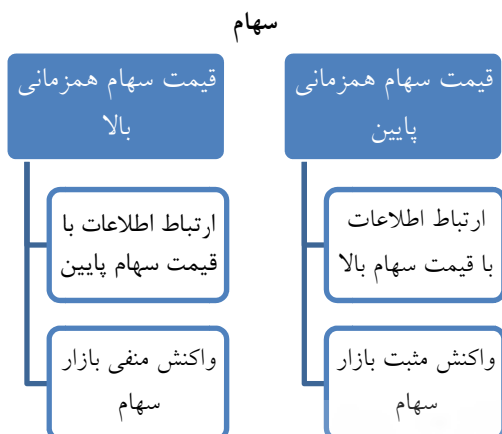
آگاهی از نحوه تعیین حق‌الزحمه حسابداری هم برای صاحبکار و هم برای حسابرس مهم است. میزان حق‌الزحمه پرداختی به حسابرس از دو طریق می‌تواند بر کیفیت کار حسابداری اثر بگذارد؛ هرچه حق‌الزحمه بیشتری برای حسابرس در نظر گرفته شود، تلاش وی نیز بیشتر می‌گردد و کیفیت کار را بالا می‌برد ولی در این صورت حسابرسان از نظر مالی به مشتریان خود وابسته می‌شوند و موجب از دست دادن استقلال آنان می‌شود. بنابراین مسئله مطرح شده در این پژوهش بررسی درک سرمایه‌گذاران از حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابداری و واکنش آن‌ها نسبت به این حق‌الزحمه‌ها است. هدف اصلی این پژوهش بررسی عکس‌العمل بازار سهام نسبت به حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابداری است. برای رسیدن به این هدف، از روش پژوهش‌های پس‌رویدادی استفاده می‌شود و جهت آزمون فرضیه از روش رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. نمونه پژوهش شامل ۷۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است و دوره پژوهش سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ را در بر می‌گیرد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که بازار سهام نسبت به حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابداری به‌طور مثبت عکس‌العمل نشان می‌دهد. به عبارتی، از نظر سرمایه‌گذاران، حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابداری موجب ارتباط بیشتر اطلاعات شرکت با قیمت سهام می‌شود که این به نوعی منجر به افزایش کیفیت حسابداری می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: حق‌الزحمه‌های واقعی حسابداری، حق‌الزحمه غیرعادی حسابداری، حق‌الزحمه‌های استاندارد حسابداری، استقلال حسابداری، قیمت سهام همزمانی.

مقدمه

پایین‌تر و واکنش بازار سهام منفی است. بالعکس، هر چه قیمت سهام همزمانی پایین‌تر باشد میزان ارتباط اطلاعات شرکت با قیمت سهام بالاتر و واکنش بازار سهام مثبت است.

نمودار ۱. قیمت سهام همزمانی به‌عنوان معیار واکنش بازار



همچنین حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی را، مزاد (کسری) حق الزحمه‌های واقعی نسبت به استاندارد تعریف می‌کنیم. حق الزحمه‌های استاندارد، منعکس کننده هزینه‌های تلاش و کوشش و ریسک دعوای قضایی حسابرسان می‌باشد و حق الزحمه‌های واقعی همان میزان حق الزحمه پرداختی به حسابرسان است.

با توجه مطالب بیان شده، هدف اصلی این پژوهش، بررسی واکنش بازار سهام نسبت به حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی است.

مبانی نظری موضوع و بیان مسئله

قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی یکی از موضوعات مورد علاقه بسیاری از محققان حسابرسی است و تاکنون مطالعات زیادی در این زمینه انجام شده است. آگاهی از نحوه تعیین حق الزحمه حسابرسی هم برای صاحبکار و هم برای حسابرسان مهم است. میزان حق الزحمه پرداختی به حسابرسان دو طریق می‌تواند بر کیفیت کار حسابرسان اثر بگذارد: هرچه حق الزحمه بیشتری برای حسابرسان در نظر

با افزایش منابع در اختیار مدیریت، میزان افراد ذینفع در ارتباط با شرکت نیز افزایش می‌یابد که پیامد چنین شرایطی بروز تضاد منافع است. در نتیجه تضاد منافع، افراد ذینفع برای همسو ساختن منافع سایرین با خود یا به حداقل رساندن آثار ناشی از تضاد منافع باید متحمل هزینه (هزینه نمایندگی) شوند. مدیر که در کانون این تضاد منافع قرار دارد، با ارائه اطلاعات مالی شرکت سعی می‌کند تا این هزینه را کاهش دهد اما به علت اختیارات مدیریت، نیاز به نظارت بر عملکرد مدیر، قضاوت کارشناسانه حسابرسان مستقل را مطرح می‌کند. برای استفاده از خدمات حسابرسی باید مبلغی به‌عنوان حق الزحمه خدمات حسابرسی پرداخت شود. این مبلغ توسط حسابرسان و با توجه به ارزیابی وی از حجم و ریسک حسابرسی تعیین می‌گردد.

هرچه قدر حق الزحمه پرداختی افزایش یابد، ممکن است سعی و تلاش حسابرسان نیز افزایش یابد و به تبع آن، کیفیت بالا رود. در نتیجه بازار نسبت به کیفیت بالای اطلاعات، عکس‌العمل مثبت نشان می‌دهد. در عوض ممکن است، حق الزحمه‌های بالای حسابرسان، آن‌ها را از لحاظ اقتصادی به صاحبکاران وابسته سازد. چنین وابستگی موجب عدم استقلال حسابرسان می‌شود و این سبب می‌شود که صاحبکاران به اطلاعات شرکت اتکا نکنند و نتیجه چنین عملی، عکس‌العمل منفی بازار نسبت به کیفیت پایین اطلاعات است. در این پژوهش، قیمت سهام همزمانی، بیانگر میزان ارتباط اطلاعات شرکت (صورت‌های مالی حسابرسی شده) با قیمت سهام است که به‌عنوان معیار اندازه‌گیری میزان عکس‌العمل بازار سهام در نظر گرفته شده است. هر چه قیمت سهام همزمانی بالاتر باشد، میزان ارتباط اطلاعات شرکت با قیمت سهام

(بالتر) می‌شود. این نتایج بر این اصل استوار است که اطلاعات عمومی با کیفیت بالا می‌تواند منجر به هزینه پایین‌تری از اطلاعات خصوصی (اطلاعات موجود نزد ذینفعان درون سازمانی) گردد. به عبارت دیگر، استقلال حسابرسی منجر به افزایش کیفیت اطلاعات صورت‌های مالی حسابرسی شده و به تبع آن، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌گردد [۹].

بنابراین اطلاعات عمومی با کیفیت، سرمایه‌گذاران مطلع و آگاه را به جمع‌آوری اطلاعات خصوصی تشویق می‌کند و در نتیجه معاملات موجب می‌شود که قیمت سهام واضح‌تر و شفاف‌تر شود [۹].

همچنین کیم و ورسچیا بررسی کردند که افشای اطلاعات عمومی با کیفیت، موجب افزایش معاملات سهام و ارتباط بیشتر اطلاعات با قیمت سهام می‌گردد. استدلال آن‌ها این بود که اطلاعات فراهم شده ناشی از افشای عمومی ممکن است منجر به درک متفاوتی از عملکرد شرکت شود و سرمایه‌گذاران مایلند که برای معاملات سهام متحمل هزینه شوند (هزینه کسب اطلاعات). بنابراین اطلاعات فراهم شده ناشی از افشای عمومی، معیاری برای اندازه‌گیری قیمت سهام در بازار می‌شود [۱۹].

ساز و کار دیگری که از طریق آن استقلال حسابرسی بر قیمت سهام همزمانی تاثیر می‌گذارد، نقش استقلال حسابرسی بر شفافیت اطلاعاتی شرکت صاحبکار است.

جین و مایر یک مدل تحلیلی مطرح کردند که ذینفعان درون سازمانی (مدیران) بیشتر از ذینفعان برون‌سازمانی (سرمایه‌گذاران) از اطلاعات آگاهی دارند. این امر موجب عدم تقارن اطلاعاتی بین آنان می‌شود و عدم تقارن اطلاعاتی (عدم شفافیت) ذینفعان درون سازمانی را قادر می‌سازد که جریان‌ات نقدی

گرفته شود، تلاش وی نیز بیشتر می‌گردد و کیفیت کار را بالا می‌برد ولی در این صورت حسابرسان از نظر مالی به مشتریان خود وابسته می‌شوند و موجب از دست رفتن استقلال آنان می‌شود و در نتیجه به خاطر نگرانی از دست دادن کار ممکن است روش‌های حسابرسی را به شکل مناسبی انجام ندهند که البته این کار می‌تواند بعدها عواقب مالی بدی برای آنان به همراه داشته باشد [۱۲ و ۲۳].

فرانکل به بررسی نقش حق الزحمه حسابرسان و میزان ثروت موسسه حسابرسی در ارتباط با دستکاری سود توسط مدیریت پرداخت و نشان داد که هرگاه حسابرسان از نظر درآمد، وابستگی مالی بیشتری به صاحبکار خود داشته‌اند، مدیریت سود آن صاحبکار بیشتر از صاحبکاران دیگر بوده است [۱۶].

از نظر مفهومی این پژوهش حق الزحمه‌های واقعی حسابرسی را به دو جزء، حق الزحمه‌های استاندارد حسابرسی و حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی تقسیم می‌کند.

از نظر سرمایه‌گذاران ممکن است حق الزحمه غیرعادی حسابرسی ناشی از وابستگی‌های اقتصادی صاحبکار با حسابرسی باشد. وابستگی‌های اقتصادی سبب از بین رفتن استقلال حسابرسی می‌شود. حال به ساز و کارهایی می‌پردازیم که استقلال حسابرسی بر روی قیمت سهام همزمانی^۱ تاثیر می‌گذارد. یکی از ساز و کارهایی که به احتمال خیلی زیاد استقلال حسابرسی بر قیمت سهام همزمانی تاثیر می‌گذارد، کیفیت سود حسابرسی شده است.

چن و دیگران به بررسی رابطه بین کیفیت سود حسابرسی شده با قیمت سهام همزمانی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که کیفیت سود بالاتر (پایین‌تر) منجر به قیمت سهام همزمانی پایین‌تر

^۱ Stock price synchronicity

بیشتری دریافت کنند (اگر اطلاعات مخفی گردد) [۱۸].

بنابراین ذینفعان درون سازمانی نیازمند کاهش ریسک شرکت هستند تا در نتیجه آن، سرمایه‌گذاران با ریسک پایین‌تری روبرو باشند. سهم ریسک پایین‌تر سرمایه‌گذاران ناشی از عدم شفافیت، نسبت ریسک بازار به کل ریسک (مجموع ریسک شرکت و ریسک بازار) را کاهش می‌دهد و این باعث می‌شود که قیمت سهام با هماهنگی بیشتری به سمت قیمت بازار حرکت کند [۱۸].

بنا بر مباحث مطرح شده، استقلال حسابرس از طریق ساز و کارهای کیفیت سود حسابرسی شده و شفافیت اطلاعاتی شرکت بر قیمت سهام همزمانی موثر است.

حال از طریق ارتباط حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی با استقلال حسابرسی، این سوال را می‌توان مطرح کرد که آیا اطلاعات شرکت مبنای مناسبی برای ارزیابی قیمت سهام ارائه می‌کند یا نه؟

اگر سرمایه‌گذاران به این موضوع پی ببرند که حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی ناشی از وابستگی اقتصادی حسابرسان به صاحبکاران است، استقلال حسابرس از بین می‌رود و کیفیت گزارشگری مالی شرکت کاهش می‌یابد و این سبب می‌شود که سرمایه‌گذاران به اطلاعات شرکت پایبند نباشند. در نتیجه اطلاعات شرکت، پشتوانه‌ای برای قیمت سهام در بازار نیست [۲۶].

اما اگر تصور سرمایه‌گذاران از حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی ناشی از عوامل دیگری باشد (غیر از وابستگی‌های اقتصادی) و همچنین تصور آنان این باشد که حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی موجب از بین بردن شهرت و عدم اطمینان به اظهارنظر آنان

می‌شود، اطلاعات شرکت را پشتوانه خوبی برای ارزیابی قیمت سهام می‌دانند [۲۶].

مروری بر پژوهش‌های پیشین پژوهش‌های خارجی

پیشینه پژوهش‌های خارجی مربوط به این پژوهش به تفکیک زیر بررسی شده‌اند:

عوامل تاثیرگذار بر حق الزحمه حسابرسی

حق الزحمه حسابرسی تاکنون موضوع بسیاری از پژوهش‌های حسابرسی بوده است و در پژوهش‌های بسیاری به بررسی عوامل موثر بر حق الزحمه حسابرسی پرداخته شده است. به دلیل گستردگی و تعداد بسیار زیاد این پژوهش‌های، صرفاً به چند مورد از این پژوهش‌های بسنده شده است.

ریشه و اساس همه پژوهش‌های مربوط به حق الزحمه‌های حسابرسی، مطالعات سایمونیک است که در قالب رساله دکتری خود در آمریکا (دانشگاه شیکاگو، ۱۹۷۹) انجام داده است. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی عوامل موثر بر میزان حق الزحمه حسابرسی است. وی فرض کرد که حق الزحمه‌های حسابرسی نهایتاً از طریق احتمال مواجهه با زیان و دعوای حقوقی علیه حسابرس تعیین می‌شود. به‌طور کلی، نتایج حاصل از پژوهش سایمونیک نشان داد که اندازه شرکت صاحبکار، پیچیدگی عملیات صاحبکار و ریسک حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی موثر است [۲۳].

رنیو دسای با استفاده از اطلاعات شرکت‌های حسابرسی هندی پژوهشی را با هدف یافتن پاسخ به سوالات زیر انجام داد: (۱) آیا موسسات حسابرسی ۴ بزرگ نسبت به سایر موسسات حسابرسی از حق الزحمه بیشتری برخوردارند؟ (۲) آیا رابطه معناداری

فعالیت‌های تعهدی^۲ (AEM) و سایر متغیرهای کنترلی است. به عبارت دیگر، رابطه مثبت بین REM و حق‌الزحمه حسابرسی بیشتر از رابطه بین AEM و حق‌الزحمه حسابرسی در دوره‌های قبل از SOX است. در حالی که در دوره‌های بعد از SOX نتایج دقیقاً برعکس است [۲۴].

مطالعات مربوط به حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی

ایکسین هووا با استفاده یک نمونه شامل ۹۱۸۸ شرکت در دوره‌های قبل از SOX از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶ به بررسی رابطه این موضوع پرداخت که آیا حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی / غیرعادی غیرحسابرسی، اطلاعات شرکت را به قیمت سهام ارتباط می‌دهند. نتایج حاکی از آن بود که حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی موجب اختلال استقلال حسابرسی می‌شود و در نتیجه، کمتر اطلاعات شرکت را به قیمت سهام ارتباط می‌دهند در حالی که حق‌الزحمه‌های غیرعادی غیرحسابرسی در دوره‌های قبل از SOX این‌طور نیست [۲۶].

چوی و همکاران به بررسی رابطه بین حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی و کیفیت حسابرسی پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد که حق‌الزحمه‌های غیرعادی منفی (مازاد حق‌الزحمه‌های استاندارد به واقعی) با کیفیت حسابرسی رابطه معناداری ندارد، در حالی که حق‌الزحمه‌های غیرعادی مثبت (مازاد حق‌الزحمه‌های واقعی به استاندارد) با کیفیت حسابرسی رابطه منفی دارد. نتایج آن‌ها حاکی از آن بود که حق‌الزحمه‌های غیرعادی مثبت باعث از دست دادن استقلال حسابرسان و در نتیجه کاهش کیفیت حسابرسی می‌شود [۱۱].

بین حق‌الزحمه حسابرسی و غیرحسابرسی وجود دارد؟

این محقق موافق با پژوهش‌های قبلی، به یک رابطه مثبت بین حق‌الزحمه حسابرسی و غیرحسابرسی دست یافت. همچنین در پاسخ به سوال اول، نتایج ای پژوهش نشان داد که موسسات حسابرسی ۴ بزرگ به دلیل کیفیت بالای حسابرسی، از دیگر موسسات حسابرسی، حق‌الزحمه بیشتری دریافت می‌کنند [۱۳].

گیورگیو به بررسی رابطه بین مالکیت مدیران و تحلیلگران روی حق‌الزحمه حسابرسی پرداخت. نتایج نشان داد که مالکیت مدیران و تحلیلگران، هم از لحاظ آماری و هم از لحاظ اقتصادی با حق‌الزحمه حسابرسی رابطه منفی دارد. به‌گونه‌ای که به‌طور میانگین ۱ درصد افزایش در مالکیت مدیران منجر به ۲ درصد کاهش در حق‌الزحمه حسابرسی می‌شود. در شرکت‌های با مالکیت مدیران پایین (کمتر از ۵ درصد مالکیت مدیران)، یک درصد افزایش در مالکیت مدیران، حق‌الزحمه حسابرسی را ۱/۴٪ کاهش می‌دهد. به‌طور مشابه، یک درصد افزایش در مالکیت تحلیلگران، ۹/۳٪ حق‌الزحمه حسابرسی را کاهش می‌دهند. این نتایج نشان‌دهنده تاثیر حاکمیت شرکتی روی حق‌الزحمه حسابرسی است [۱۷].

بیونگ به بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی^۱ (REM) و حق‌الزحمه حسابرسی پرداخت. با استفاده از یک نمونه بزرگ در میان شرکت‌های آمریکایی، به یک رابطه معنادار مثبت بین مدیریت سود ناشی از فعالیت واقعی و حق‌الزحمه‌های حسابرسی دست یافتند که این رابطه فراتر و بیشتر از رابطه حق‌الزحمه‌های حسابرسی با مدیریت سود بر مبنای

² Accrual – based Earnings Management

¹ Real Earnings Management

مطالعاتی پیرامون قیمت سهام همزمانی

قیمت سهام همزمانی برای اولین بار توسط رول^۱ مطرح گردید. وی R^2 (ضریب تعیین) را از مدل بازار به دست آورد. رول با استفاده از داده‌های آمریکایی CRSP از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۷، R^2 را حدود ۳۵٪ برای داده‌های ماهانه و ۲۰٪ برای داده‌های روزانه به دست آورد. وی مواردی که توصیف‌کننده تغییرات قیمت سهام می‌باشند را به این صورت بیان کرد: (۱) حرکات غیرمنتظره در سطح اقتصاد کلان (۲) تغییرات غیرمنتظره در سطح محیط بازار شرکت (خصوصیات صنعت) (۳) وقایع غیرقابل پیش‌بینی در آن شرکت.

با مشاهده و اندازه‌گیری این عوامل، تغییرات قیمت سهام را می‌توان با دقت زیادی پیش‌بینی کرد، به طوری که نزدیک به ۱ شود. بنابراین با R^2 پایین نمی‌توان تغییرات قیمت سهام را پیش‌بینی کرد. بررسی‌های بیشتر رول نشان داد، فاکتورهای قابل اندازه‌گیری، کمترین مقدار R^2 را پیش‌بینی خواهند کرد. رول به این نتیجه رسید که با اعلان اخبار عمومی میزان R^2 تغییرات چندانی نمی‌کند بلکه R^2 ناشی از وجود اطلاعات خصوصی یا هیجان‌های گاه به گاه^۲ دیگر، غیرمرتبط با اطلاعات واقعی است [۲۲].

فرناندس و فریرا به بررسی قیمت سهام همزمانی میان شرکت‌های غیر آمریکایی در بازارهای آمریکایی پرداختند. با بررسی یک نمونه شامل ۴۷ شرکت، از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۳ آن‌ها یافتند که شرکت‌های غیرآمریکایی در بازارهای آمریکایی نسبت به سایر شرکت‌های آمریکایی سطح پایینی از قیمت سهام همزمانی دارند اما به یک رابطه مثبت بین این شرکت‌ها و سطح پایینی از قیمت سهام همزمانی در

بازارهای توسعه یافته دست یافتند. در مقابل، آن‌ها به یک رابطه منفی بین سطح پایینی از قیمت سهام همزمانی میان شرکت‌های مذکور در بازارهای در حال توسعه دست یافتند [۱۵].

چن به بررسی رابطه قیمت سهام همزمانی و حساسیت سرمایه‌گذاری به قیمت سهام پرداخت. با یک نمونه شامل ۶۸۲۷۷ شرکت از سال ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۱، او به یک رابطه مثبت بین سطح پایینی از قیمت سهام همزمانی و حساسیت سرمایه‌گذاری به قیمت سهام دست یافت. نتایج حاکی از آن بود که قیمت سهام ممکن است حاوی اطلاعاتی باشد که مدیران ندارند و اطلاعات مدیران (اطلاعات خصوصی) به آن‌ها در تصمیم‌گیری کمک می‌کند و اطلاعات شرکت معیاری برای اندازه‌گیری قیمت سهام باشد [۹].

پژوهش‌های داخلی

بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاکنون در خصوص حق الزحمه‌های غیرعادی حساسی و قیمت سهام همزمانی در ایران مطالعاتی صورت نگرفته است. اما در مورد حق الزحمه‌های حساسی مطالعات انگشت‌شماری انجام گرفته است. نمونه‌ای از مطالعات داخلی در مورد حق الزحمه‌های حساسی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

موسوی و داروغه حضرتی به بررسی رابطه بین جریانات نقد آزاد و حق الزحمه حساسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۲ الی ۱۳۸۷ پرداختند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که شرکت‌های با جریان نقد آزاد بالا، حق الزحمه حساسی بیشتری دارند.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که شرکت‌های با جریان نقد آزاد، سطوح بدهی و سود تقسیمی دارای حق الزحمه حساسی بالا هستند [۵].

¹ Roll

² occasional Frenzy

ضرورت و کاربرد پژوهش

با رشد رقابت در حرفه حسابرسی، موسسات حسابرسی ضرورت ارائه خدمات خود با کیفیت هر چه بهتر و بهای کمتر به بازار را بیشتر دریافته‌اند. برای رقابت بر پایه‌ای به غیر از کیفیت و متفاوت کردن خدمات، موسسات حسابرسی به دنبال بهینه ساختن حق الزحمه خود و بهترین پیشنهاد برای آن هستند.

بدین ترتیب که هم درآمد خود را حداکثر سازند و هم کار را در شرایط رقابتی از دست ندهند [۳]. بهینه کردن حق الزحمه حسابرسی همچنین ممکن است موجب از دست رفتن استقلال و وابستگی‌های اقتصادی بین حسابرس و صاحبکار شود و بازار نسبت به این موضوع از طریق افت قیمت سهام واکنش نشان دهد.

بالعکس، سرمایه‌گذاران با بررسی میزان حق‌الزحمه پرداختی بیشتر به حسابرسان ممکن است به کیفیت کار آنان پی ببرند که در این صورت می‌توانند به صورت‌های مالی بیشتر اتکا کرده و به استقلال حسابرسان دست پیدا کنند. بنابراین، سرمایه‌گذاران با بررسی این موضوع و نتایج حاصل از آن می‌توانند به تصمیم‌گیری بهتری جهت قیمت سهام در بازار دست یابند.

همچنین شرکت‌کنندگان مطلع و آگاه (تحلیل‌گران، سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و ...) با بررسی عوامل موثر بر حق‌الزحمه‌های حسابرسی و تعیین حق‌الزحمه‌های استاندارد حسابرسی و مقایسه آن با حق‌الزحمه‌های واقعی، به عادی یا غیرعادی بودن آن پی می‌برند و آنان را در قضاوت نسبت به این‌که آیا اطلاعات شرکت (صورت‌های مالی حسابرسی شده) منبای مناسبی جهت ارزیابی قیمت سهام در بازار است یا نه، کمک می‌کند.

نیک بخت و تنانی به بررسی آزمون عوامل موثر بر حق الزحمه‌ی حسابرسی پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که متغیرهای حجم عملیات (اندازه) شرکت، پیچیدگی عملیات شرکت، نوع موسسه حسابرسی و تورم ارتباط معنی‌داری با حق الزحمه حسابرسی دارند، ولی متغیرهای ریسک حسابرسی و تحصیلات و تجربه مسول تهیه‌کننده صورت‌های مالی، با متغیر وابسته (حق الزحمه حسابرسی) فاقد ارتباط آماری بودند [۸].

مهرانی به بررسی عوامل موثر بر تعیین حق الزحمه حسابرسی پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد که کیفیت حسابرسی، شهرت صاحبکار، تخصص صنعتی، بودجه زمانی صرف شده برای فرایند صاحبکار، مبلغ ترازنامه، جمع دارایی‌ها شرکت و سابقه موسسات حسابرسی بر حق الزحمه دریافتی از صاحبکار تاثیر مثبت و معناداری دارد. از طرفی ریسک شرکت صاحبکار، تعداد کارکنان شرکت، تعداد پرسنل موسسه حسابرسی، درآمد موسسه حسابرسی و تعداد شرکت‌های بورسی مورد رسیدگی هر موسسه حسابرسی تاثیری بر حق الزحمه حسابرسی ندارد [۷].

شهبازی به بررسی تاثیر نظام راهبری شرکت‌ها بر حق الزحمه حسابرسی مستقل پرداخت. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که از ده عامل در نظر گرفته شده (اندازه هیت مدیره - نسبت مدیران غیرموظف - درصد مالکیت نهادهای دولتی و شبه دولتی - درصد سهام شناور آزاد شرکت - درصد مالکیت سهامدار عمده - تسهیلات دریافتی از بانک‌ها - اظهار نظر حسابررس مستقل - نوع حسابرس - افشای معامله با اشخاص وابسته - پرداخت به موقع سود سهام) دو عامل درصد مالکیت نهادهای دولتی، شبه‌دولتی و نوع حسابرس با حق الزحمه حسابرس مستقل رابطه مستقیم و معنی‌دار دارد [۴].

فرضیه‌های پژوهش

موضوع رابطه بین حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی با استقلال حسابرسان به دو دلیل یک موضوع تجربی تلقی می‌شود. از یک طرف موجب وابستگی اقتصادی حسابرسان با صاحبکار می‌شود، در این صورت از نظر سرمایه‌گذاران کیفیت گزارشگری مالی کاهش می‌یابد و آنان به صورت‌های مالی حسابرسی شده اتکا نمی‌کنند و اطلاعات شرکت را ملاک ارزیابی قیمت سهام در بازار نمی‌دانند. از طرف دیگر حسابرسان مواظب از دست دادن شهرت خود می‌باشند و سعی می‌کنند که جامعه به اظهار نظر آنان اتکا کنند. در این صورت سرمایه‌گذاران (و دیگر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی) اطلاعات شرکت را ملاک ارزیابی قیمت سهام در بازار می‌دانند.

در نتیجه می‌توان رابطه‌ای تجربی بین بازار سهام و حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی بیان کرد. همچنین انتظار داریم که حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی با علامت مثبت (مازاد حق الزحمه‌های واقعی به استاندارد) موجب افزایش کیفیت حسابرسی و به تبع آن، افزایش ارتباط اطلاعات شرکت با قیمت سهام گردد. بالعکس، حق الزحمه‌های حسابرسی با علامت منفی (مازاد حق الزحمه استاندارد به واقعی) موجب کاهش کیفیت حسابرسی و کاهش ارتباط اطلاعات شرکت با قیمت سهام می‌گردد. اکنون با توجه به پرسش‌های پژوهش که بر پایه مطالعات انجام شده و یافته‌های مطالعات پیشین تدوین شده و نیز توضیحات پیش گفته، فرضیه‌های این پژوهش به شرح زیر تدوین شده است:

فرضیه اول: بازار سهام در مقابل حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی عکس‌العمل نشان می‌دهد.

فرضیه دوم: بازار سهام در مقابل حق الزحمه‌های حسابرسی با علامت مثبت به‌طور مثبت عکس‌العمل نشان می‌دهد.

فرضیه سوم: بازار سهام در مقابل حق الزحمه‌های حسابرسی با علامت منفی به‌طور منفی عکس‌العمل نشان می‌دهد.

روش‌شناسی پژوهش**نوع روش پژوهش**

این پژوهش از نظر تئوری، در حیطه تحقیقات اثباتی حسابداری قرار می‌گیرد. تحقیق اثباتی شامل مجموعه روش‌هایی است که علاوه بر بیان مشاهدات، به بررسی روابط بین متغیرهای مورد مشاهده نیز اقدام می‌نماید. همچنین، این تحقیق از لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی است.

از نظر نوع زمان انجام تحقیق، این تحقیق پس‌رویدادی است. در تحقیق پس‌رویدادی محقق به دنبال کشف و بررسی روابط بین عوامل و شرایط خاص که قبلاً وجود داشته یا رخ داده با استفاده از مطالعه نتایج حاصل از آنها است. بنابراین، متغیر وابسته و مستقل هر دو در گذشته رخ داده‌اند و بر همین مبنا این نوع تحقیق را غیرآزمایشی (تجربی) یا پس‌از وقوع (پس‌رویدادی) می‌نامند. از طرفی با توجه به استفاده از نمونه جهت اجرای روش‌ها و آزمون‌های تحقیق و تعمیم نتایج حاصله به کل جامعه، این تحقیق از لحاظ نوع استدلال و نتیجه‌گیری، جز تحقیقات استقرایی قرار می‌گیرد. همچنین با توجه به این‌که این تحقیق در پی اثبات وجود رابطه بین متغیرهای تحقیق می‌باشد، تحقیق حاضر در دسته تحقیقات همبستگی می‌باشد.

روش و ابزار جمع‌آوری و آماده‌سازی داده‌ها

به‌منظور تدوین مبانی نظری پژوهش از مطالعات کتابخانه‌ای و آرشیو استفاده می‌شود و داده‌های مالی مورد نیاز مدل‌های پژوهش از نرم‌افزار ره آورد نوین، سایت رسمی سازمان بورس اوراق بهادار، نرم‌افزار تدبیر پرداز و جهت مطلع شدن از حق‌الزحمه‌های واقعی حسابرسی از صورت‌های مالی شرکت‌ها و در صورت لزوم توزیع پرسشنامه به شرکت‌ها (موسسات حسابرسی) و همچنین برای دسته‌بندی، تلخیص و ایجاد پایگاه داده‌ها از نرم‌افزار Excel استفاده شده است.

تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS صورت گرفته است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش، شامل تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران هستند که در دوره پنج ساله ۱۳۸۵ الی ۱۳۸۹ در بورس فعالیت داشته و نمادشان فعال باشد. تعداد شرکت‌های که در این دوره نمادشان فعال بوده بالغ بر ۳۴۲ شرکت است که از منظر کیفی، بعضی از آن‌ها به دلایلی از جمله نقض در صورت‌های مالی منتشره و دارای مشکلات و نواقص اطلاعاتی بودند. با تعدیل این جامعه با قید شرایط زیر، نمونه آماری مشخص گردید:

- ۱- سال مالی شرکت‌های نمونه، پایان اسفند ماه هر سال باشد.

- ۲- حق‌الزحمه‌های حسابرسی تحت عنوان "حق‌الزحمه حسابرسی" در یادداشت‌های توضیحی شرکت‌های مورد بررسی افشا شده باشند.

- ۳- داده‌های مورد بررسی مربوط به شرکت اصلی باشند.

- ۴- داده‌های مورد بررسی در دسترس باشند.

در نتیجه، تعداد شرکت‌های که در هر دو بعد حایز شرایط شدند، به ۷۱ شرکت تقلیل یافت. بدین ترتیب، در نهایت ۷۱ شرکت انتخاب شدند.

تبیین متغیرهای پژوهش

مدل زیر بر گرفته شده از مدل پیوتورسکی و رولستون است که در آن SYNCH (معیار واکنش بازار سهام) به‌عنوان متغیر وابسته و ABFEE (حق‌الزحمه‌های غیرعادی) به‌عنوان متغیر مستقل است. همچنین در این پژوهش، logNIND، BIG، FIRMAGE و ASSET به‌عنوان متغیر کنترلی در نظر گرفته شده است [۲۱].

$$SYANCH = b_0 + b_1 ABFEE + b_2 \log NIND + b_3 QUALITY + b_4 FIRMAGE + b_5 \log ASSET + e$$

که در آن:

SYANCH: قیمت سهام همزمانی معیار واکنش بازار سهام به‌عنوان متغیر وابسته تعریف شده است.

ABFEE: حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی به‌عنوان متغیر مستقل تعریف شده است که در این پژوهش به‌صورت مازاد (کسری) حق‌الزحمه‌های واقعی به استاندارد تعریف شده است.

LogNIND: متغیر کنترلی، که به‌عنوان لگاریتم طبیعی تعداد شرکت‌های موجود در صنعتی که شرکت مورد بررسی جز آن صنعت می‌باشد، تعریف شده است. انتظار می‌رود که هر چه تعداد شرکت‌ها در صنعت خاص بیشتر باشد ارتباط اطلاعات با توجه به خصوصیات آن صنعت با قیمت سهام بیشتر شود و این منجر به قیمت سهام همزمانی کمتر می‌گردد (قیمت سهام بیشتر تحت تاثیر اطلاعات این شرکت‌ها قرار می‌گیرد).

QUALITY: متغیر مجازی که برابر با ۱ است اگر موسسه حسابرسی، باکیفیت باشد، به‌عنوان متغیر کنترلی تعریف می‌گردد. کیفیت موسسات حسابرسی

AFEE: حق الزحمه‌های استاندارد

اندازه‌گیری حق الزحمه استاندارد

بر پایه مطالعات سایمونیک [۲۳] مدل حق الزحمه استاندارد حسابرسی به متغیرهای احتمال وقوع زیان^۱ و ورشکستگی^۲ آن بستگی دارد. در این پژوهش، احتمال وقوع زیان شرکت صاحبکار از طریق اندازه شرکت (جمع کل دارایی‌های شرکت، TA) و ورشکستگی شرکت صاحبکار از طریق آزمون Z^۳ اندازه‌گیری می‌شوند. همچنین بر پایه مطالعات پیشین؛ فرانکل، و اسباگ، و فرانسس، و پالمروس متغیر مجازی "اگر سال مالی شرکت صاحبکار منتهی به پایان سال نباشد" جهت کنترل فصل‌های غیرکاری در حسابرسی و نیز نسبت دارایی‌های جاری و نسبت دارایی‌های آنی و اهرم مالی شرکت صاحبکار جهت کنترل ریسک شرکت به کار گرفته می‌شود.

مدل مورد استفاده در این پژوهش برگرفته شده از مدل سایمونیک (۱۹۸۰) است که به صورت ذیل تعریف می‌گردد:

$$LAFEE = b_0 + b_1LTA + b_3CATA + b_4QUICK + b_5DE + b_6 BANKRUPTCY + b_7YE + b_8LOSS +$$

که در این مدل:
LAFE: لگاریتم طبیعی حق الزحمه استاندارد.

LTA: لگاریتم طبیعی جمع کل دارایی‌ها شرکت صاحبکار.

CATA: نسبت دارایی‌های جاری به کل دارایی‌های شرکت صاحبکار.

QUICK: نسبت دارایی‌های آنی (دارایی‌های جاری منهای سرمایه گذاری‌ها) به کل دارایی‌های شرکت صاحبکار.

از طریق سایت جامعه حسابداران رسمی تعیین شده است. چنانچه موسسه دارای نمره A باشد متغیر مجازی ۱، در غیر این صورت، متغیر مجازی صفر تلقی می‌گردد. انتظار می‌رود موسسات حسابرسی با کیفیت، حق الزحمه بیشتری دریافت کنند که این کیفیت بالا، منجر به کاهش قیمت سهام همزمانی (قیمت سهام بیشتر تحت تاثیر اطلاعات قرار می‌گیرد) می‌گردد.

FIRMAGE: مدت زمان حضور شرکت در بورس اوراق بهادار تهران تا پایان سال ۱۳۸۹ (به سال) به‌عنوان متغیر کنترلی تعریف می‌گردد. محیط اطلاعاتی شرکت‌های قدیمی‌تر از شرکت‌های نوظهور با اتکاتر و دقیق‌تر می‌باشد و بازار به مرور زمان، بیشتر از اطلاعات شرکت (به‌جای روش‌های جنجال آفرین) جهت ارزیابی قیمت سهام در بازار استفاده می‌کنند.

بنابراین انتظار می‌رود که شرکت‌هایی با طول عمر زیاد در بورس اوراق بهادار، بیشتر اطلاعات شرکت را به قیمت سهام ارتباط می‌دهند.

LogASSET: لگاریتم طبیعی جمع کل دارایی‌ها به‌عنوان متغیر کنترلی تعریف می‌گردد. هر چه رقم دارایی‌ها در صورت‌های مالی بیشتر باشد، صورت‌های مالی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد و این منجر به کاهش قیمت سهام همزمانی (واکنش بازار سهام نسبت به اطلاعات شرکت) می‌شود.

حق الزحمه‌های غیرعادی

از نظر مفهومی حق الزحمه‌های واقعی به دو جزء حق الزحمه‌های استاندارد و حق الزحمه‌های غیرعادی تقسیم می‌شود. در واقع حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی برابر است با:

$$ABFEE = AAFEE - AFEE$$

ABFEE: حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی

AAFEE: حق الزحمه‌های واقعی حسابرسی

¹ Loss-exposure

² bankruptcy

³ Z score bankruptcy model

انجام آزمون‌های آماری و آزمون فرضیه‌های پژوهش از نرم افزار SPSS استفاده شد.

تجزیه و تحلیل و یافته‌های پژوهش

نگاره (۱) و (۲) آمار توصیفی مطالعه را نشان می‌دهند. براساس اطلاعات نگاره (۱)، شاخص‌های مرکزی از جمله میانگین و میانه و شاخص‌های پراکندگی از جمله انحراف معیار، کشیدگی و چولگی برای متغیرهای مختلف محاسبه شده است. بزرگ بودن میانگین از میانه وجود نقاط بزرگ را در داده‌ها نشان می‌دهد زیرا میانگین تحت تاثیر این مقادیر قرار می‌گیرد. در این موارد توزیع داده‌ها چوله به راست است، برای مثال توزیع متغیر FIRMAGE چوله به راست است. توزیع هیچ متغیری چوله به چپ نیست و در برخی متغیرها مقادیر میانگین و میانه نزدیک به هم است که در این موارد توزیع متغیرها متقارن است. تقریباً بقیه متغیرها به غیر از متغیرهای یاد شده به‌خصوص متغیر وابسته تقارن نسبی دارند. این ویژگی اهمیت زیادی دارد زیرا تقارن یکی از ویژگی‌های ۱۱۵ توزیع نرمال است. متغیر وابسته توزیعی با تقارن و با کشیدگی نزدیک به کشیدگی توزیع نرمال دارد (میزان کشیدگی و چولگی توزیع نرمال صفر است). در نگاره (۲)، ۱۷/۷ درصد داده‌ها دارای مقدار صفر برای QUALITY و ۸۲/۳ درصد دارای مقدار یک هستند.

نگاره ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	بیشترین مقدار	حداقل مقدار	کواریانس	چولگی	میانگین	انحراف معیار	میانه
قیمت سهام همزمانی	۱/۰۲	-۴/۳۱	۰/۵۲	۱/۰۲	-۰/۸۶	-۱/۰۷	-۱/۲۲
حق‌الزحمه‌های غیرعادی	۱/۷۹	-۱/۹۹	۰/۴۷	۰/۵۲	۰/۰۲	۰/۰۰۵	۰/۰۱۹
لگاریتم تعداد شرکت‌های موجود در صنعت	۱/۴۶	۰	۱/۷	۰/۳۶	۰/۳۸	۱/۱۸	۱/۱۴
طول عمر شرکت در بورس	۴۵	۵	۲/۳	۸/۵	۲۵/۹	۱۴	۱۵/۳۷
لگاریتم جمع کل دارایی‌ها	۷	۴/۱	۰/۱۲	۰/۵	۶/۴۷	۵/۵	۵/۵۵

DE: نسبت بدهی‌های بلند مدت به کل دارایی‌های شرکت صاحبکار.

BANKRUPTCY: نسبت سود (قبل از ارقام غیر مترقبه) به کل دارایی‌های شرکت صاحبکار.

YE: متغیر مجازی ۱، اگر سال مالی پایان سال نباشد.

LOSS: متغیر مجازی ۱، اگر سال مالی جاری شرکت زیانده باشد.

اندازه‌گیری قیمت سهام همزمانی (معیاری جهت واکنش بازار سهام)

بر اساس مطالعات پیشین؛ مارک و دورنو، قیمت سهام همزمانی از ضریب تعیین (R^2) معادله زیر، به دست می‌آید [۱۴]:

$$R_{i,t} = \beta_{i0} + \beta_{i1} R_{m,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

که در این مدل $R_{i,t}$ بازده سهام i در سال t و $R_{m,t}$ بازده بازار در سال t است.

با توجه به معادله (۱) قیمت سهام همزمانی (SYNCH) از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$\text{SYNCH}_{i,t} = \text{LOG} \left(\frac{R^2}{1-R^2} \right) \quad (2)$$

روش آزمون فرضیه پژوهش

در این پژوهش جهت تجزیه و تحلیل کلی مدل اصلی از رگرسیون چند متغیره (روش گام به گام) اما برای تعیین حق‌الزحمه استاندارد و قیمت سهام همزمانی از تحلیل پانلی استفاده گردید. هم‌چنین برای

نگاره ۲. آمار توصیفی متغیر مجازی

کیفیت موسسات حسابداری		
	تعداد شرکت‌های نمره	درصد شرکت‌های نمره
	A	A
۰	۶۳	٪۱۷/۷
۱	۲۹۲	٪۸۲/۳

برای آزمون متغیرهای پژوهش از نگاره (۳) و (۴) استفاده شده است. استفاده از تحلیل رگرسیون منوط به محقق شدن مفروضاتی است که بدین منظور از کمک آزمون دوربین واتسون و آزمون هم خطی استفاده می‌شود. البته لازم به یادآوری است که نرمال بودن توزیع متغیر وابسته و خطاها نیز به‌عنوان دیگر مفروضات کلاسیک رگرسیون بررسی و تایید شده است. نتایج مربوط به این الگو در نگاره (۳) و (۴) نمایش داده شده است. براین اساس آماره دوربین واتسون در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد که نشان می‌دهد خطاها نسبت به یکدیگر دارای استقلال هستند. بنابراین مشکل همخطی جدی در استفاده از رگرسیون وجود نخواهد داشت و در مجموع استفاده از تحلیل رگرسیون بلامانع است. در نگاره (۳) ضریب همبستگی، تعیین و تعدیل شده برای بیان قدرت مدل پژوهش ارائه شده است در این نگاره؛ R ، R^2 و R^2 تعدیل شده به ترتیب عبارتند از؛ ۰/۲۵۷، ۰/۰۶۶ و ۰/۰۵۸. همان‌طوری که ملاحظه می‌گردد فاصله بین R^2 و R^2 تعدیل شده، ۰/۰۰۸ می‌باشد. این مقدار نشان می‌دهد که خارج نمودن برخی متغیرهای کنترلی از مدل تاثیر چندانی بر قدرت توضیح‌دهندگی مدل نخواهد گذاشت. به عبارت دیگر، رابطه میان متغیر وابسته (قیمت سهام همزمانی) و متغیر مستقل (حق الزحمه‌های غیرعادی) تحت تاثیر متغیرهای کنترلی قرار ندارد. البته همان‌طور که در نگاره (۴) ملاحظه می‌گردد این قاعده مشمول دو متغیر کنترلی لگاریتم

طبیعی دارایی‌های شرکت و عمر شرکت در بورس اوراق بهادار نمی‌گردد. ضریب همبستگی مدل، ۰/۰۵۸ نشان‌دهنده این است که متغیرهای مستقل و کنترلی، ۰/۰۵۸ از واریانس میزان قیمت همزمانی سهام در معادله را تبیین می‌کنند، و بقیه واریانس‌ها از سوی عوامل خارجی و ناشناخته که در این پژوهش نیامده است، قابل تبیین است. سطح معنی‌داری (sig) آماره F (۸/۲۷۲) آزمون $ANOVA$ نیز ۰/۰۰۰ است. بنابراین، فرض عدم خط رگرسیون و برابری ضرایب رگرسیون در سطح اطمینان ۹۹٪ نیز رد می‌شود. به عبارت دیگر، در سطح اطمینان ۹۹٪ بین قیمت سهام همزمانی و حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابداری رابطه معنی‌داری وجود دارد با توجه به این‌که ضریب همبستگی (β) ۰,۳۲- می‌باشد، بنابراین این رابطه منفی است و همان‌طوری که در مبانی نظری پژوهش مطرح گردید.

رابطه‌ی منفی بین این دو متغیر (قیمت سهام همزمانی و حق الزحمه‌های غیرعادی) به این معنی است که بازار سهام نسبت به حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابداری عکس‌العمل مثبت نشان می‌دهد. پس، فرضیه اول پژوهش تایید می‌شود. نتایج تحلیل رگرسیون در نگاره (۴) نشان‌دهنده این است که در سطح اطمینان ۹۵٪ با سطح معنی‌داری (sig) ۰/۰۴۰، رابطه معنی‌داری بین دو متغیر قیمت سهام همزمانی و حق الزحمه‌های غیرعادی حسابداری با علامت مثبت وجود دارد با توجه به این‌که ضریب همبستگی در این نگاره ۰/۱۴۶- است. بنابراین عکس‌العمل بازار سهام نسبت به حق الزحمه‌های غیرعادی حسابداری (با علامت مثبت) مثبت است در نتیجه، فرضیه دوم پژوهش تایید می‌شود.

با توجه به این‌که سطح معنی‌داری در فرضیه سوم پژوهش ۰/۱۱۱ می‌باشد می‌توان گفت در سطح

اطمینان ۹۵٪ رابطه معنی‌داری بین قیمت سهام وجود ندارد. بنابراین، فرضیه سوم پژوهش رد می‌شود. همزمانی و حق‌الزحمه‌های غیرعادی با علامت منفی

نگاره ۳. قدرت و روایی مدل

فرضیه	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تصحیح شده	انحراف استاندارد	آزمون دو‌ریب - واتسون
فرضیه اول	۰/۲۵۷	۰/۰۶۶	۰/۰۵۸	۰/۹۸۸	۱/۸۹
فرضیه دوم	۰/۱۴۶	۰/۰۲۱	۰/۰۱۵	۱/۰۶	۱/۸
فرضیه سوم	۰/۱۱۹	۰/۰۱۴	۰/۰۰۹	۰/۹۸	۱/۹۲

نگاره ۴. ضرایب مدل و سطوح معناداری

متغیر	β	T	آماره F	SigT	نتیجه آزمون
عرض از مبدا	۰/۳۲۲	۰/۵۳۵		۰/۵۹۳	تایید نشد
حق‌الزحمه‌های غیرعادی (متغیر مستقل)	-۰/۳۲	-۳/۰۰۷		۰/۰۰۰	تایید شد
لگاریتم جمع دارایی‌ها (متغیر کنترلی)	-۰/۳۱۹	-۳/۰۰۰	۸/۲۷۲	۰/۰۰۳	تایید شد
عمر شرکت (متغیر کنترلی)	۰/۰۱۶	۲/۵۶۳		۰/۰۱۱	تایید شد
کیفیت حسابرسی (متغیر کنترلی)	۰/۰۰۷	۰/۱۸۳		۰/۸۵۶	تایید نشد
LODNIND (متغیر کنترلی)	-۰/۰۱۱	-۰/۲۷۹		۰/۷۸۱	تایید نشد
عرض از مبدا	-	-۶/۷۶۲	۳/۵۷۲	۰/۰۰۰	تایید شد
حق‌الزحمه‌های غیرعادی مثبت	-۰/۱۴۶	-۱/۸۹۰		۰/۰۴	تایید شد
عرض از مبدا	-	۱۱/۴۲۸	۲/۵۶۱	۰/۰۰۰	تایید شد
حق‌الزحمه‌های غیرعادی منفی	-۰/۱۱۹	-۱/۶		۰/۱۱۱	تایید نشد

نتیجه

به عبارت دیگر، بازار سهام نسبت به حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی به‌طور مثبت عکس‌العمل نشان می‌دهد. در واقع از نظر سرمایه‌گذاران و استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی، افزایش در حق‌الزحمه‌های حسابرسی موجب ارتباط بیشتر اطلاعات با قیمت سهام می‌گردد به‌عبارت دیگر حق‌الزحمه پرداختی بیشتر باعث افزایش کیفیت حسابرسی می‌گردد که این مخالف با پژوهش آیکنس هوا [۲۶] است. در مورد تایید فرضیه دوم پژوهش می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که حق‌الزحمه‌های پرداختی بیشتر از واقع به حساب‌رسان موجب افزایش کیفیت حسابرسی و در نتیجه اعتماد بیشتر به اطلاعات شرکت و نهایتاً منجر به واکنش مثبت بازار

همان‌طور که اشاره شد، عکس‌العمل بازار سهام از طریق قیمت سهام تعیین می‌شود که با توجه به مبانی نظری پژوهش، قیمت سهام همزمانی پایین به معنی عکس‌العمل مثبت بازار سهام است و بالعکس. حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی را به‌صورت مازاد حق‌الزحمه‌های پرداختی به حساب‌رسان نسبت به حق‌الزحمه‌های استاندارد تعریف شده است. بنابراین حق‌الزحمه‌های غیرعادی می‌تواند به‌صورت منفی و یا به‌صورت مثبت در آید.

یافته‌های پژوهش نشان داد که در حالت کلی رابطه معنادار و منفی بین قیمت سهام همزمانی و حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی وجود دارد

۲- برخی از متغیرهای پژوهش بیش از یک تعریف عملیاتی دارند که می‌توان از سایر تعاریف نیز استفاده شود. برای مثال، به‌جای حق الزحمه‌های حسابداری می‌توان از حق الزحمه غیرحسابرسی (مشاوره مالی، مالیاتی و ...) استفاده نمود.

۳- می‌توان موضوع پژوهش را در صنایع مختلف مورد بررسی قرار داد و با توجه به ماهیت فعالیت صنایع مختلف، انتظار می‌رود نتایج متفاوتی حاصل شود.

منابع

- ۱- آذر، عادل و منصور مومنی (۱۳۸۱). آمار و کاربرد آن در مدیریت، جلد دوم، انتشارات سمت.
- ۲- بزرگ اصل، موسی. (۱۳۸۸). پیرامون حق الزحمه حسابداری مستقل، مجله حسابدار، شماره ۲۱۰، صص ۳-۳.
- ۳- تنانی، محسن. (۱۳۸۹). آزمون عوامل موثر بر حق الزحمه حسابداری، پایان‌نامه دکتری، تهران، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- ۴- علوی طبری، سید حسین، و روح‌اله رجبی و منصوره شهبازی. (۱۳۸۸). رابطه نظام راهبری و حق الزحمه حسابداری مستقل شرکت‌ها، فصلنامه دانش حسابداری، سال دوم، شماره ۵، تهران، دانشگاه صنعت نفت. صص ۷۵-۱۰۲.
- ۵- موسوی، سیدعلیرضا و فاطمه داروغه حضرتی. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین جریان نقد آزاد و حق الزحمه حسابداری در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، شماره ۱۰: صص ۱۴۱-۱۷۳.

سهام می‌گردد که نتایج این آزمون با پژوهش‌های آرینوز [۲۴]، سریندی و گول [۲۵]، کریشن [۲۰] و چوی، کیم و زانگ [۱۱] موافق و سازگار است. برخلاف انتظار، بازار سهام نسبت به حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابداری با علامت منفی عکس‌العملی نشان نمی‌دهد که می‌تواند ناشی از درک سرمایه‌گذاران از این حق‌الزحمه باشد.

ارائه پیشنهاد

پیشنهادهای کاربردی

- ۱- سازمان حسابداری می‌تواند نقش حق‌الزحمه غیرعادی حسابداری را در استقلال حسابداری که دومین استاندارد عمومی حسابداری است، بررسی کند.
- ۲- سازمان امور مالیاتی می‌تواند با توجه به حق‌الزحمه‌های غیرعادی و ارتباط آن با کیفیت گزارشگری مالی به اطلاعات شرکت اتکا کنند.
- ۳- با توجه به این که افشای حق‌الزحمه‌های حسابداری بر روی تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران موثر است، توصیه می‌گردد این سازمان استانداردی را ملزم کند که کل حق‌الزحمه‌ها، اعم از حسابداری و غیرحسابرسی (مشاوره مالی، مالیاتی و ...) در صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس افشا شود.

پیشنهادهای پژوهشی

- ۱- این پژوهش برای اولین بار در ایران به حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابداری و قیمت سهام همزمانی می‌پردازد. در پژوهش‌های آتی می‌توان اثر عوامل دیگر روی هر کدام از این متغیرها به‌طور جداگانه بررسی نمود.

- ۱۶- Frankel, R. Johnson, M. And Nelson, K. 2002. The relation between auditors' fees for non-audit services and earnings management. *The Accounting Review* Vol. 77, Pp. 71-105.
- ۱۷- Giorgio, G. (2011). *Managerial Ownership, Corporate Monitoring and Audit Fee*. University of Texas at El Paso working paper.
- ۱۸- Jin, L. And Mayers, S. (2006). R^2 around the world: New theory and new tests. *Journal of Financial Economics*, Vol. 79, Pp. 257-292.
- ۱۹- Kim, O. And Verrecchia, R. 1994 Market liquidity and volume around earnings announcements. *Journal of Accounting and Economics*. Vol. 17. Pp. 41-67.
- ۲۰- Krishnan, J. Heibatollah, S. AND Zhange, Y. (2005). Does the provision of non-audit services affect investor perceptions of auditor independence? *Auditing: A Journal of Practice & Theory*. Vol. 24, No 2, Pp 111-135.
- ۲۱- Piotroski, J. And Roulstone, D. (2004). The influence of analysts, institutional investors, and insider on the incorporation of market, industry, and firm-specific information into stock price. *The Accounting Review*. Vol. 79, No. 4, Pp. 1119-1151.
- ۲۲- Roll, R. (1988). R^2 . *Journal of Finance*. Vol. 43, Pp. 541-566.
- ۲۳- Simunic, D. (1980). The pricing of audit services: theory and evidence. *Journal of Accounting Research*. Vol. 18, No. 1. Pp. 161-190.
- ۲۴- Sohn, BC. (2011). *Do auditors care about real earnings management in their audit fee decisions?* Available at the following website address: <http://ssrn.com/>
- ۲۵- Srinidhi, B. And Gul, F.A. (2007). The differential effects of auditors' non-audit and audit fees on accrual quality. *Contemporary Accounting Research*. Vol. 24, No. 2, Pp. 595-629.
- ۲۶- Xinhua, W. (2009). *Do abnormal audit fees/non-audit fees communicate firm specific information to the stock market?* A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy.
- ۶- مومنی، منصور و علی فعال قیومی. (۱۳۸۶). تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS، انتشارات کتاب نو، تهران.
- ۷- مهران‌سی، ساسان و کورش جمشیدی اوانکی. (۱۳۸۹). عوامل موثر بر تعیین حق الزحمه حسابرسی، فصلنامه حسابدار رسمی، تهران، دانشگاه تهران. شماره ۱۳، صص ۶۰-۷۸
- ۸- نیک بخت، محمدرضا و محسن تنانی. (۱۳۸۹). آزمون عوامل موثر بر حق الزحمه حسابرسی صورت‌های مالی، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال دوم، شماره پیاپی ۴، دانشگاه تهران. صص ۱۱۱-۱۳۲
- 9- Chan, S. Gul, F. A. and Zhou J. 2008. Earnings information, financial intermediaries and stock price synchronicity. The Hong Kong Polytechnic University working paper.
- 10- Chen, Q, Goldstein, I. W. (2007). Price informativeness and investment sensitivity to stock price. *Review of Financial Studies*, Vol. 20, Pp. 619-650.
- 11- Choi, Jon-Hag. Kim, Jeong- Bon. Zang, Yoonseok. (2009). *The association between audit quality and abnormal audit fees*. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=848067>.
- 12- DeAngelo, L.E. (1981) a. Auditor independence, "low balling", and disclosure regulation. *Journal of Accounting and Economics*. Vol. 3, No. 2, Pp. 113-127.
- 13- Desai, R. (2012). *Audit fees, nonaudit fees, and audier quality: an analysis from the indian perspective*. Available at the following website address: <http://ssrn.com>.
- 14- Durnev, A., Morck, R. yeung, B. and Zarowin, P. (2003). Does greater firm-specific return variation mean more or less informed stock pricing? *Journal of Accounting Research*. Vol. 41, No. 5. Pp. 797-836.
- 15- Fernandes, N. And Ferreira, (2008). Does international cross-listing improve the information environment? *Journal of Financial Economics*. Vol. 88, Pp. 216-244.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Stock Market Reaction to Abnormal Audit Fees

M. Mansouri *

Master of Accounting, University of Economic Sciences, Tehran, Iran

M. Tanani

Assistant professor Accounting, University of Economic Sciences, Tehran, Iran

Abstract

Awareness of the procedure of determining audit fees is of significance both for the client and the auditor. The amount of audit fees paid to the auditors can affect audit process in two ways: the more audit fees is allocated for the auditor, the more effort is put on the audit process by she/he, hence it increases the audit process and the audit process quality. However, the auditors will be dependent on their clients financially and lose their independence. Therefore, the problem stated in this research deals with the investors' preception of abnormal audit fees and their reaction to them. Main objective of this paper is to survey the reaction of stock market to abnormal audit fees. for fulfilling the objectives of this study the post event research method is applied and for testing the hypothesis the data panel method has been employed. The research sample consists of 71 listed firms in Tehran Stock Market between the years 1385 to1389. Results of this research indicate that stock market react positively to abnormal audit fees. In other words, the investors tend to assume that abnormal audit fees incorporate more information into stock prices and this will enhance audit quality.

Keywords: actual audit fees, abnormal audit fees, normal audit fees, audit independence, stock price synchronicity.

* mansurimikaeil@yahoo.com